

دانش آموزان به شکلی پیوسته و مداوم ، نسبت به نگرش ها ، ارزش ها و شخصیت های معلمان خود واکنش نشان می دهند .

تقلید از معلم ، یکی از روش های معمول در یادگیری به شمار می رود و از این لحاظ معلم می تواند الگوی پر قدرتی برای دانش آموز به حساب آید .

یکی از جنبه های مهم یادگیری از طریق تقلید ، آن است که رفتار می تواند به سادگی از طریق مشاهده کسب شود و برای این کار ، لازم نیست که دانش آموز راسا به انجام دادن و تمرین و یا ارائه آن رفتار بپردازد . دانش آموزان به طور ثابت در حال جذب و کسب اطلاعات ، حالت ها و نگرش های معلمان خود از نقطه نظر روش های کلاسی هستند و این امر بدون آنکه معلم ، رجوع خاصی به این گونه رفتارها داشته باشد انجام می گیرد . در مواردی که معلم با طعنه و کنایه و یا استهزا به اشتباهات دانش آموز پاسخ می دهد احتمال اینکه دانش آموز نیز چنین واکنشهایی نسبت به همدیگر نشان دهند افزایش خواهد یافت .

باید توجه داشت که هر نوع رفتاری در هر زمانی می تواند به شکل یک الگو عمل کند . از این رو دانش آموزان ، رفتارهای مثبت و منفی ، هر دو را از معلمان خواهند آموخت . هر گاه دانش آموزان متوجه شوند که آنچه معلم به هنگام وعظ و خطابه در کلاس بیان می دارد ، با آنچه وی عملا از خود بروز می دهد متفاوت است ، یعنی هماهنگی بین عقیده و عمل او وجود نداشته باشد ، آنان به چنین موعظه هایی توجه نخواهند کرد و در پی عمل کردن به آنها بر نخواهند آمد . این تفاوت و ناهماهنگی ، ممکن است بین انتظارات معلم از دانش آموزان و امکاناتی که عملا به آنان داده می شود نیز مشاهده شود . اگر معلم به دانش آموزان گوشزد کند که مجاز نیستند قبل از آنکه رنگ تقویر زده شود کلاس را ترک کنند ، اما در عمل نتواند این قانون را جامعه عمل ببوشاند اعتماد دانش آموزان نسبت به قدرت رهبری معلم به تدریج کاهش می یابد .

رفتار دانش آموزان ، همچنین تحت تاثیر

اعمال معلم درمورد زیر است :

معلم به اهمیت مطالعه و خواندن کتاب تاکید فراوان می گذارد ، اما خود او حتی یک کتاب هم نمی خواند .

معلم ، رعایت اصول اخلاقی را محترم و مهم می شمارد ولی دائما بر سر مسائل جزئی با خشم و فریاد با دانش آموزان رو به رو می شود.معلم تاکید می کند که احترام به عقاید و نظریات دیگران و به ویژه دانش آموزان همواره مورد نظر اوست ، ولی مکررا عقاید دانش آموزان را که به نظر خودش نادرست و احمقانه است به مسخره می گیرد ، در تمام این موارد ، دانش آموزان به جای توجه به آنچه معلم به شکل نظری بیان می دارد ، به رفتارها و واکنش هایی که عملا از خود نشان می دهد گرایش پیدا می کنند . معلمان قاهر و زورگر با رفتارهای خصمانه اثرات زیان بخشی بروی رفتار دانش آموزان دارند ، در حالی که معلمان مهربان با رفتارهای غیرتهاجمی می توانند به سازگاری اجتماعی دانش آموزان خود کمک کنند .

بعضی از نشانه های رفتارهای خصمانه عبارتند از اعمال قدرت ، خجالت زده کردن و پاشناری در مطیع بودن دانش آموزان . برای رفتارهای ملایم و منطقی نیز می توان ، تشویق دانش آموزان به شرکت در بحث های کلاسی ، اظهار علاقه نسبت به فعالیت های دانش آموزان و همدردی و درک دانش آموزان



افرادی که دارای کسب و کارهای کوچک هستند ، موفقیت خود را مدیون نکات زیر می دانند :

طبق نظر سنجی و آمار به دست آمده از مشاغل کوچک ، اداره مشاغل کوچک آمریکا (small business Administration) برای رسیدن به موفقیت این ۵ نکته مهم و اساسی را ذکر می کند :

۱ – آمادگی انجام کار برای ساعات دشوارتر و طولانی تر را داشته باشید
۲ – هنگام کار در این ساعات طولانی و طاقت فرسا می توانید به آموزش های لازم و ارتباطات شخصی خود نیز بپردازید .
۳ – از تکثیر و ادعا بپرهیزید ، فرقی نمی کند که چه مقدار تخصص و آگاهی در شغل خود دارید ، کسب موفقیت مستلزم پشتکار ، مهارت های مالی ، سرمایه کافی ، کارکنان کارآمد و کار سخت و بسیار زیاد است .

۴ – حداکثر کوشش و تلاش خود را برای جذب رضایت مشتریان انجام دهید . هر قدر هم که کسب و کار و تجارت شما کوچک باشد ، این موضوع اهمیت خاص خود را دارد .

نام برد .

دانش آموزان در کلاس هایی که توسط معلم مهربان و منطقی اداره می شود رفتارهای سازگارتر و ملایم تری از خود نشان می دهند و عکس این قضیه نیز صادق است . به این ترتیب نباید فراموش کرد که معلم می تواند تاثیر فوق العاده ای بر محیط کلاس و در نتیجه رفتار دانش آموز داشته باشد . بین معلم و شاگرد نباید تاثیر دانش آموز بر رفتار معلم را نادیده انگاشت ، زیرا که این تاثیر و تاثر الزاما در یک فرایند دو طرفه انجام می گیرد . دراعلب موارد الگوی رفتاری و واکنش (مثبت و منفی) معلم در کلاس رابطه و هماهنگی قابل توجهی با نوع رفتارها و واکنش های دانش آموزان در کلاس دارد .

به طور کلی تدریس در کلاس به شکل یک رابطه دو جانبه رخ می دهد که در آن ، دانش آموزان و معلمان ، یک واحد در هم تنیده تشکیل می دهند .
مثلا هنگامی که دانش آموزان در کلاس بد رفتاری می کنند بر نگرش معلم نسبت به آنان تاثیر گذاشته و این نیز به نوبه خود بر نگرش دانش آموزان نسبت به معلمشان اثر خواهد گذاشت .

پایین بردن سطح یادگیری دارد .
این تاثیر و تاثرها نقش اساسی در بالا و پایین بردن سطح یادگیری دارد .

ویژگی های معلمان خوب و بد از دیدگاه انسان گرایانه

می توان گفت : معلمان کارآمد کسانی هستند که به مفهوم دقیقه کلمه ، " انسان " هستند . آنان با برخورداری از زیبا ترین احساسات انسانی با روشی منصفانه ، آزادمنشانه و فارغ از گرایش های دیکتاتورمانانه با دانش آموزان رفتار می کنند و قادرند به راحتی و به شکل طبیعی با آنان روابط دوستانه و انسانی برقرار کنند .

معلمان نا لایق و ناموفق نیز به نظری رسد که از احساسات انسانی بی بهره اند و همواره در پی جاه طلبی ، اعمال قدرت و استفاده از شیوه های دیکتاتوری در کلاس هستند و کمتر به نیازهای دانش آمو زان خود می اندیشند . گروهی چنین می پندارند که اگر کسی طلبه خوبی باشد معلم خوبی نیز هست و چنین استدلال می کنند که هرگاه معلمی به موضوع تدریس خود تسلط داشته باشد می تواند به خوبی آن را تدریس کند ، اگر چه این امر تا حدودی صحت دارد ، ولی میزان دانش و تسلط معلم بر موضوع درس به تنهایی نمی تواند فضای خالی موجود بین تدریس و فراگیری را پر سازد .

بهترین مثال این ادعا در مقاطع عالی تحصیلی مشاهده می شود . استادانی که بیشترین دانش را در یک موضوع خاص دارند الزاما از لحاظ تدریس بهترین استادان نیستند . در مورد این گروه یکسانوری متوسل گردد .
موضوع درس را به خوبی می داند ولی قادر به برقراری ارتباط نیست ، گوش دادن به حرف هایش سر درد می آورد یا موضوع درس را به شکل خام ارائه می دهد " این عبارات نمایانگر آن است که مشکلات مربوط به روابط بین معلم و دانش آموز صرفا ناشی از میزان دانش معلم نیست .

این امر به آن معنا نیست که اهمیت تسلط معلم بر موضوع تدریس ، نادیده انگاشته شود ، بلکه خود نیز به عنوان آموزگار بر آن تاکید کافی دارد .

اما نگاهی به میانگین نمرات ، ضریب هوشی و میزان آمادگی کارآموزان معلمی به هنگام طی دوره تربیت معلم ، این حقیقت را آشکار می سازد که بین عوامل مذکور میزان موفقیت و کارآمدی این همبستگی مختصری

کدام " معلم " می تواند الگو باشد

معلم باید در فرآیند یادگیری ، عمدتا نقش راهنما و تسهیل کننده را داشته باشد و زمینه های لازم برای تحرک و فعالیت و خودجوشی دانش آموزان در جریان کلاس را فراهم سازد . رعایت این اصل از سوی معلم ، نقش شایسته ای در ساختار رفتاری دانش آموزان دارد و تقویت اتکای به نفس و اعتماد به خود را در آنان باعث خواهد شد .

دانش آموزان به طور ثابت در حال جذب و کسب اظهارات ، حالت ها و نگرش های معلمان خود از نقطه نظر روش های کلاسی هستند و این امر بدون آنکه معلم ، رجوع خاصی به این گونه رفتارها داشته باشد انجام می گیرد

و خود دارد .

متغیرهای دیگری نظیر گرمی سخن و مهربانی و احساس مسئولیت در برابر نیازها و علاقت دانش آموزان و رغبت به تدریس ، رابطه معنی دار تری با موفقیت معلم و میزان آموخته های دانش آموزان دارد . به طور کلی هر چه بیشتر به جنبه های عاطفی و انسانی در کلاس توجه گردد بیشتر می توان به کارآمدی و اثر بخشی تدریس معلم امیدوار بود .

معلمین ، هنگامی که نسبت به موجودیت خود احساس امنیت کنند بهتر می توانند به نیازهای دیگران توجه نشان دهند . افرادی که نسبت به خود احساس نا مطلوب و ناخوشایندی دارند قادر نیستند زمان و نیروی لازم برای یاری دیگران اختصاص دهند و این بدان علت است که نوعی احساس محرومیت و حرمان در آنان وجود دارد . هر گاه احساسات نامساعدی به هر دلیل در درون معلم در غلیان باشد ممکن است برای حفاظت خود و ایجاد نوعی امنیت درونی ، رفتارهای ناخوشایند و خشونت آمیز از خود نشان می دهد و با وضع قوانین و مقررات خشک و خشن در رابطه با شاگردان خود به روش دیکتاتوری متوسل گردد .

معلمان باید با یافتن پاسخ سوالات زیر ، در مقام خودشناسی اصلاح الگوی رفتاری و شخصیتی خود بربایند :

آیا احساس می کنید که مردم شما را دوست دارند و یا مطرد و منفور آنها هستند ؟
آیا خود را فردی شایسته احترام می پندارید یا

مقامتان بی ارزش است ؟
آیا خود را اساسا فکر می کنید نظریات شما در مورد شان و مقدمات بی ارزش است ؟
آیا خود را اساسا فردی وابسته به دیگران می دانید یا فکر می کنید از اتکای به نفس و استقلال و ثبات کافی برخوردار هستید ؟
آیا در مورد توانایی خود در برخورد با حوادث شک دارید ؟

آیا خود را به عنوان عضوی از جامعه دیگران

می ببینید یا احساس می کنید به شکل یک انسان یک بعدی از جامعه به دور افکنده

شده اید ؟

۶ – معتقد است که مردم با برخورداری از تعالی بالقوه به سوی رسیدن به کمال در حرکت اند و آنان هرگز به منزله مواعنی بر سر راه دیگران و تهدید آنان قلمداد نمی شوند .

➤
اگر معلم ، واقعی و خودش باشد ، دانش آموزان قادر خواهند بود با او ، آن چنان که هست ارتباط برقرار کنند ؛ یعنی با کسی که به عنوان یک موجود انسانی ، دارای احساسات و عقایدی است و صرفا به شکل عاملی که دستورات و فرامین دیگران را عمل می کند ، نیست

سازمان می گیرد ؛ به طوری که دیگر قادر

نیست خود را از چنین قالبی رها سازد . در اینجا به بعضی از این اعتقادات سنتی تدریس که نسل به نسل به معلمین انتقال یافته است اشاره می کنیم :

۱ – من ، سکون و میانه روی را پیشه می کنم براساس این اعتقاد معلم موجودی است بی ثمر و فاقد تحرک که هر موقعیت و رویدادی را با سردی و سکوت می نگرد .

او درهر شرایطی خلق و خوی بی طرفانه از خود نشان می دهد و در واکنش های او اثری از شادی ، غم و تواضع یا تکبر مشاهده نمی شود . در کلیه بحث ها نقشی خنثی بازی می کند و عقاید و اندیشه های شخصی خویش را ابراز نمی دارد .

۲ – من به همه کودکان ، عشق می ورزم بر این اساس ، معلمان باید همه کودکان را به یک میزان دوست داشته باشند . عصبانیت ، نفرت و طرد ، جایی در قلمرو احساسات معلم ندارد ! معلمینی که این احساسات طبیعی را تجربه می کنند گاهی دچار احساس گناه می شوند ، زیرا به غلط به آنان گفته شده که معلم خوب باید فاقد این گونه احساسات باشد ؛ یعنی عصبانی نشود ، نسبت به هیچ کس نفرت نداشته باشد و هیچ کس را طرد نکند . باید توجه داشته باشیم که وقتی می گویم معلم باید همه کودکان را دوست داشته باشد ، از لحاظ اینکه کودکان ، همه انسان هستند و حق دارند که دوست داشته شوند ، حرف درستی است اما به آن معنا

را فراهم سازد .

رعایت این اصل از سوی معلم ، نقش شایسته ای در ساختار رفتاری دانش آموزان دارد و تقویت اتکای به نفس و اعتماد به خود را در آنان باعث خواهد شد .

۵ – من پاسخ همه سوالات را می دانم؛ این عقیده ، چنان احساس نامطلوبی در بعضی از معلمان به وجود می آورد که آنان را از پذیرش اشتباه باز می دارد .

بر این اساس ، معلمین به سختی می توانند عبارت " نمی دانم " ولی سعی می کنم پاسخ آن را بیابم " را بر زبان جاری سازند .

اگر معلم ، واقعی و خودش باشد ، دانش آموزان قادر خواهند بود با او ، آن چنان که هست ارتباط برقرار کنند ؛ یعنی با کسی که به عنوان یک موجود انسانی ، دارای احساسات و عقایدی است و صرفا به شکل عاملی که دستورات و فرامین دیگران را عمل می کند ، نیست

دانش آموزان به این ترتیب پی خواهند برد که معلم ، " خویشتن خویش " است و ممکن است مرتکب اشتباهاتی بشود .

گذشته از آن هر گاه که اشتباهی از او سر می زند این شهادت را دارد که به راحتی آن را بپذیرد . هر چه باشد به هر حال او انسان است و ممکن است خطاهایی از او سر بزند . ولی متأسفانه فقط عده معدودی از معلمان ، این واقعیت را به ذهن دانش آموزان



خود منتقل می سازند که معلم نمی تواند موجودی ماورای انسان بی عیب و به دور از خطا و اشتباه و متابع همه علوم باشد .

دانش آموزان با معلمینی که اشتباهات خود را می پذیرند و نقش برج عاج نشین و عالم به کل علوم را بازی نمی کنند بهتر و راحت تر می توانند رابطه برقرار کنند .

معلم خود می تواند از دیدگاه دانش آموزان،

یک طلبه و در جست و جوی علم و دانش بیشتر باشد و این استنباط ، زمانی در ذهن دانش آموزان به وجود می آید که معلم ، این اندیشه نادرست که همه نظریات و عقاید او مطلقا درست است را به خود راه ندهد . البته اینجا فقط معدودی از باورهای است که بعضی از معلمین ، خود را پایبند آنها می کنند . شما خود می توانید باورهای مشابه دیگری را در این زمینه به خاطر آورید .

برخی از این باورها لذت بردن از کار تدریس را برای بسیاری از افراد ، زائل کرده است و همچنین معلمین را از شریک شدن در غم و شادی دانش آموزان خود باز می دارد . این باورها در مواردی ماعی هستند بر سر راه

معلمین ، برای آنکه در مورد احساسات خود صداقت داشته باشند ، استقلال و اتکای به خود را تشویق کنند یا روابط منطقی و معقول را در دانش آموزان خود برقرار سازند . دوام و بقای این گونه باورها بازدارنده و دیگر عقاید مشابه درباره معلمین ، باعث می شود که دانش آموزان ، معلمین را موجودات متفاوتی قلمداد کنند و به سختی بپذیرند که آنان نیز ممکن است همانند خودشان دارای نقاط قوت و ضعف باشند .

کلام آخر اینکه معلمین ، الگوی رفتاری پر قدرتی برای دانش آموزان هستند و از این رو باید مراقب حرکات ، گفتار ، کردار و حتی پندار خود باشند .

تهیه کننده : شهره پاسالار

منبع : اینترنت

➤



جواب داده اند : " وضعیت نا پایدار و نامشخص اقتصادی " امری که به نوعی به همه افراد جامعه مربوط می شود .

۴۰ درصد آنها در پاسخ به این سوال که چالش بزرگ پیش رو در آینده چه خواهد بود ؟

ارائه خدمات لازم را بزرگترین مانع و مشکل در سر راه خود عنوان کرده اند .

در مرحله بعد تهیه لیست حقوق قرار دارد



رسول خدا(ص):

